

## نهاد شاهنشاهی

نگهبان شهریگری ایران در گذشته و راهی برای آینده پیشگفتار چندی پیش از سوی گروهی از ایرانیان در بیانیه ای موجودیت نگهبانان نهاد شاهنشاهی ایرانزمین، که کنش و ساختاری فرهنگی است، به آگاهی همگان رساندند.

این بیانیه چنین میگوید:

«ما ایرانیان باورمند به اندیشه تداوم، پایداری و نگهبانی از نهاد شاهنشاهی و فرهنگ کهن ایرانشهری، برقراری ساختار نگهبانان نهاد شاهنشاهی را آگاهی داده و از همه سازمان ها و برجستگان باورمند به این اندیشه درخواست و دعوت می کنیم که همسویی و هماهنگی خود را در اجرای این اندیشه و پیوستگی خود را به این ساختار، که با هموندی همه باورمندان شکل خواهد گرفت، آگاهی فرمایند.» چون بسیاری از همزمان درباره این نهاد پرسشهایی نموده اند که، با وجود انجام برنامه های تلویزیونی، هنوز به بسیاری از آنها پاسخ داده نشده است بران شدیم تا نگاهی به «نقش فرهنگ شاهنشاهی ایرانزمین» توانسته باشیم جوابی براساس فلسفه فرهنگ و تاریخ ایران به میهن دوستان بدهیم.

نهاد شاهنشاهی.

نهاد شاهنشاهی با پیشینه چند هزار ساله چون موجودیت خود را ریشه ای و پایه ای می دانسته هیچ گاه احساسی برای تبلیغ و آگاهی رساندن به مردم که اصل «حکومت شایسته سالار و ملت محور است» ننموده . اکنون گروهی از باورمندان به نهاد شاهنشاهی به این کاستی تاریخی پی بردند و برآن شدند که این فرهنگ دیرپای کهن باستانی را نگهبانی و پاسداری کنند . این اندیشه فرهنگی، هر چند نوپاست، ولی چون توانا ترین و اصیل ترین پدیده ای است که ملت اکنون و در آینده مشتاق آن خواهند بود به زودی جایگاه پیشین و تاریخی خود را پیدا خواهد کرد و می رود تا روزی برسد که همه ملت ایران از جمهوری خواهان گرفته تا پادشاهی خواهان آن را پایه همبستگی خود قرار دهند.

آشکار است که بر پایه این همبستگی ملی، ایران از پرناتز تاریخی مخرب و نابود کننده جمهوری اسلامی خواهد گذشت و در هزاره های آینده ، بر این پایه استوار و نیرومند و توانا، جایگاه ملت بزرگ ایران را در عمل به جهانیان نشان خواهد داد. نشان خواهد داد که فرهنگ و تمدن ایرانی، بر پایه نهاد شاهنشاهی تا کنون استوار باقی مانده است، یادآور می شویم نهادشاهنشاهی ، بدان جهت که تنها راه ایجاد همبستگی بین همه باورهای سیاسی از جمهوری خواهی و پادشاهی خواهی و حتی باورمندان چپ می باشد با نماد یا سامانه پادشاهی تفاوت دارد بنابراین .

وظیفه اساسی نگهبانان نهاد شاهنشاهی ایرانزمین، که وظیفه ای تاریخی و طولانی اکنون و در قرن های آینده را بعهده گرفتند، این است که بتوانند به صورت بسیار ساده، با برقراری میزهای گرد در رسانه ها به آگاهی مردم برسانند تا به این آرمان فرهنگی ستایش انگیز برسند و با «انتشار فرهنگ شاهنشاهی و انتقال سینه به سینه دستاوردهای تاریخی و سیاسی فر شاهنشاهی ایران سترگ را با هدف جلوگیری از نابودی آزادی اندیشه، خرد و گسترش صلح پایدار، تداوم زنجیره های دادگری و دادگستری، آبادگری موجب پرورش مهرورزی و همبستگی ملی است» را بیان دارند

# پایه های بنیادی نهاد شاهنشاهی ایرانزمین بر اساس نوشته ها و گفتارهای کوروش بزرگ و

## داریوش سوم و پادشاهان ساسانی و تاریخ نویسان

پایه های بنیادی نهاد شاهنشاهی، به ویژه بر اساس نوشته ها و منشور کوروش، به گونه فشرده، بی تقدم و تأخر، از این قرارند:

- ۱- برقراری عدالت برای همه
- ۲- نگرهبانی از حرمت انسانی (پذیرش اصالت فرد) و پایه گذاری حکومت و فرمانروایی در قلب انسانها از راه مهر و محبت و همبستگی ملی، نه بر پایه زور و ستم، و نیز کار برد روش پدران، نه مستبدانه، برای مدیریت کشور
- ۳- غیر قانونی بودن و محکوم کردن برده داری در فرهنگ شاهنشاهی ایران
- ۴- ارج نهادن به همه باورها و ادیان و رسوم و آداب همه اجزای ملت
- ۵- برقراری رابطه انسانی بین سلطنت و ملت بر پایه «فر شاهنشاهی»
- ۶- برقراری بزرگترین و کار آمد ترین نهاد در همه دوره های تاریخی، نهادی که توانسته از فروپاشی کشور جلوگیری کند و بر متجاوزین چیره شود.
- ۷- ایجاد شرایط مناسب برای پیشرفت تمدن ایرانی و رهبری دیگر تمدن ها در هزاره ها در حالی که از تمدن های دیگر نیز بهره برده است
- ۸- به حداقل رساندن «سیستم طبقاتی» و ایجاد برابری بهینه همگانی و برقراری نظام پیشرفته در برابر نظام فئودالیت و نظام قبیله ای یا عشایری
- ۹- برقراری آرمانهای بشردوستانه و ایجاد برابری میان همه انسانها، چه زن چه مرد.
- ۱۰- قرار دادن منافع اجتماعی یا ملی بجای نفع شخصی و فردی
- ۱۱- ایجاد پسندیده ترین رابطه میان حکمرانان یا فرماندهان محلی با فرمانبران و اکثریت ملت
- ۱۲- رها سازی مردم ستمدیده و ایجاد پناهگاهی برای ستمدیدگان
- ۱۳- برقراری سامانه ای متمرکز و توانا همراه با دادن اختیارات محلی به ساتراپهای برگزیده از سوی فرمانروایی مرکزی
- ۱۴- بکار بردن شعار همیشگی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک
- ۱۵- استعمار و استثمار نکردن کشور ها و ملت های دیگر و محکوم کردن این دو پدیده
- ۱۶- بی باوری به نژاد پرستی و نبرد با نسل کشیها در کشورهای دیگر
- ۱۷- فرمانروایی و اداره کشور بر پایه شایسته سالاری

## نمودار نهاد شاهنشاهی

همان گونه که در این نمودار دیده میشود، اگر در محور عمودی ارزشهای فرهنگی و معنوی را از صفر تا صد و ارزشهای منفی را از صفر تا منهای صد بدانیم و سد را در زمان کوروش بزرگ پایه پژوهش خود بنا نهیم و در محور افقی زمان را از ۲۵۰۰ سال پیش بی درستی ریاضی در نگرش خود قرار دهیم، به این بهره خرد گرائی زیر میرسیم:

پادشاهی مدون در ایران با انتخاب دیاکو از سوی مردم آغاز گردید. سپس هخامنش پادشاهی پارس را در ۷۰۵ پیش از میلاد پایه گذاری کرد و پس از وی چیش پیش و به ترتیب کوروش یکم و کمبوجیه یکم به پادشاهی رسیدند تا آنکه کوروش دوم یا کوروش بزرگ فرزند کمبوجیه یکم و پدر کمبوجیه دوم به پادشاهی رسید و با اتحاد پارس و ماد شاهنشاهی ایران را بوجود آورد که تا پیش از آن چنین قدرت شکوهمندی در جهان بی سابقه بود. منشور کوروش بزرگ سند افتخار آفرین و ماندگار در تاریخ بشریت و مایه سرافرازی ایرانیان کنونی و آینده هست و خواهد بود. غرور و سر بلندی ما ایرانیان همین بس که منشور کوروش پایه بنیادی قانون اساسی آمریکا شد.

هخامنشیان در اوج قدرت و عظمت و سر بلندی با حمله اسکندر مقدونی دوره بدرد با سر بلندی و افتخار را آغاز کردند. اسکندر و پس از وی سلسله سلوکیان در ۷۰ سال فرمانروایی مخرب خود ایران آباد را با آتش سوزی شهرها و کشتزارها، کتابخانه ها و از همه مهمتر تخت جمشید به نابودی کشاندند. ولی در سایه نهاد شاهنشاهی استوار و پابرجا که در طول ۲۵۰۰ سال تنها نگهدارنده ایران زمین بوده و خواهد بود، فرزندان ایرانگرای این سرزمین، پارتها یا ملوک الطوائف خراسان، در سایه نهاد شاهنشاهی این بیگانگان را با خفت و خواری از ایران بیرون کردند و سلسله اشکانیان را با پیروی از دستورات کوروش بزرگ با سر بلندی و افتخار بنیان نهادند و افتخار و شکوهمندی ایران را برای حدود ۴۰۰ سال به دوره کوروش باز گردانند.

با آغاز سستی در فرمانروایی اشکانیان، فرزندان راستین دیگر ایران، یعنی ساسانیان، پیش از آنکه این سستی و فساد به نابودی ایران بیانجامد، ایران را دوباره به بالا ترین شکوه و سرفرازی رساندند و ایرانی آباد و ثروتمند در سایه دستورات کوروش بزرگ برای حدود ۴۰۰ سال دیگر پی ریزی کردند. در زمان شاهپور دوم و بهرام گور و بویژه خسرو انوشیروان ساسانی، ایران بزرگترین قدرت جهانی بود و در بیشتر نبردها با روم دشمن اصلی ایرانیان پیروز بودند و بیابانگردان تازی را، که هنری جز غارت و چپاول سرزمینهای آباد دنیا نداشتند، تار و مار کرده بودند.

در سده چهارم فرمانروایی ساسانیان، به انگیزه قطع پرداخت خراج سالانه از سوی روم و افزایش مالیات بر کشاورزان برای هزینه های جنگی و از همه مهمتر نفوذ روز افزون مذهب یون (مغها) در اداره امور کشور، سستی ها در فرمانروایی و در پی آن فساد در بین بزرگان کشور بتدریج آغاز شد و ایران در بالا ترین قدرت خود مورد یورش تازیان غارتگر و چپاول پیشه قرار گرفت. در مدت کوتاهی ایران آباد و ثروتمندترین کشور روی زمین به نیستی و نابودی گرایید و کشور ایران به مخروبه ای بدل گشت و بسیاری از ایرانیان به بردگی و کنیزی تازیان در آمدند و یا مجبور شدند به «جزیه» تن در دهند. اقتدار و عظمت ایران نه تنها به صفر بلکه به منهای صد رسید. پس از آن ایران گرفتار چنگیز و مغول و تیمور و ترکان سلجوقی و غزنویان گردید که بهترین آنها هم برای اداره کشور مجبور شدند از نهاد شاهنشاهی پیروی کنند.

از همانروزهای نخست یورش تازیان، ایران گرایان در زیر سایه و آموزشهای استوار نهاد شاهنشاهی ایرانزمین، در هر گوشه کشور بپا خاستند که میتوان از جنبشهای اصیل و میهن پرستانه ابو مسلم خراسانی، سرداران، شعوبیه، بابک خرم دین، یعقوب لیث، آل زیار، آل بویه، آل مظفر، سامانیان و طاهریان و.... نام برد. تا آنجا که آل بویه پس از گشودن بغداد خلیفه را از سوی خود به خلیفه گری گماشت. ولی این جنبشهای ستایش انگیز و قهرمانانه تاریخی به یکپارچگی کشور نینجامید تا زمانیکه سلسله صفویه با استفاده از مذهب تشیع و به زور شمشیر ایران را نسبتاً یکپارچه کرد. ولی او هیچ گاه نتوانست کشور را به انگیزه آمیختگی مذهب و حکومت به ارزشمندی والای هخامنشیان و ساسانیان برساند. این سلسله بجز چند پادشاه قدرتمند بقیه، بعلت مذهبی بودن و اینکه خواستند کشور را با دعا و جادو جنبل و استخاره و آش نذری اداره کنند، با شتاب بسیار به سستی و پستی رسیدند تا آنجا که شاه سلطان حسین تاج سلطنتی را دو دستی به محمود افغان داد.

یک چنین خفت و خواری بر فرزندان راستین ایران زمین گران آمد و نادر شاه افشار در مدتی کوتاه نه تنها یکپارچگی و استقلال را به ایران باز گردانید که توانست کشور هند را برای پناه دادن به افغانهای گردنکش بگشاید و با پیروی از روش کورش بزرگ پادشاهی هندوستان را به شاه شکست خورد بخشید. پس از قتل نادر کشور دچار آشوب و گسیختگی گردید تا آنکه سلسله زندیه توانست یکپارچگی نسبی را به کشور باز گرداند. این سلسله از سوی آقا محمد خان قاجار سرنگون شد و سلسله قاجار پدیدار شد و پس از قتل آقا محمد خان از سوی خدمه خود برادر زاده اش بنام فتحعلی شاه به سلطنت رسید و با نفوذ مذهبیهون در دربار بار دیگر سقوط ایران آغاز شد و بسیاری از سرزمینهای آباد قفقاز از ایران جدا شدند. تنها یادگار ارزنده و تاریخی قاجار فرمان مشروطیت است. سقوط ارزشها که از زمان فتحعلی شاه آغاز شده بود در زمان احمدشاه به پایین ترین نقطه میرسد تا آنجا که عین الدوله صدر اعظم، که ساکن قلهک بوده، مجبور میشود به سفارت انگلیس واقع در زرگنده به نام هزینه امنیت قلهک ماهانه میلیی بپر دازد.

در این زمان که استقلال و یکپارچگی ایران دستخوش نابودی فرار گرفته بود فرزند اصیل ایرانی بنام رضا خان و سپس رضاشاه در پناه و سایه نهاد شاهنشاهی، ایرانی یکپارچه و مستقل و آباد را بوجود آورد و سلسله پهلوی در زمان محمد رضا شاه با اجرای اصول انقلاب سفید به ارزشهای زمان هخامنشیان و ساسانیان باز گشت. ولی ایران مانند زمان ساسانیان بار دیگر مورد یورش و اشغال تازیان به نام جمهوری اسلامی قرار گرفت، با این تفاوت که در حمله نخست تازیان هدف بیابانگردان تازی غارت و چپاول ایران آباد بود و این بار جمهوری اسلامی به نیابت از سوی کشورهای غرب و روسیه و چین مأموریت دارد تا، افزون بر غارت و چپاول کشور، فرهنگ و تمدن ایران را نابود سازد. اما همانگونه که همیشه در زیر چتر فرهنگ نهاد شاهنشاهی دشمنان ایران نابود شده اند این بار نیز ملت متحد و همبسته ایران در زیر این نهاد و با الهام از آن، که شعار رضاشاه روح شاد معرف آنست، این رژیم انیرانی را به زباله دان تاریخ خواهد فرستاد.

AutoSave On | نهاده شاهنشاهی همه مدارک - Saved | Assdollah Nasre Esfahani | AN

File Home Insert Draw Design Layout References Mailings Review View Help ACROBAT | Comments | Share

## فرنگ نهاد پادشاهی ایران زمین

**ارزشهای مثبت**

**ارزشهای منفی**

**زمان**

**راهنمای رنگها**

- دوران شکردهایی و پیشرفت
- دوران بندهختی و پسرفت
- دوران شکوفایی صفویه
- دوران پسرفت صفویه

شاهنشاه اریامهر و انقلاب سفید

نادرشاه افشار

صفویه

سلطنت ساسانیان

سقوط آزاد تمام ارزشهای ایرانی و فضیلت و کرامت انسانی و پرده نمودن ملت ایران بنام امت

فرنگ نهاد پادشاهی

Page 7 of 7 | 3123 words | Persian (Iran) | Focus | 100%

